

چنین میفرماید

صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد / آغاز مکر بافلک حقه باز کرد
 بازی چرخ بشکندش بیضه در کلاه / زیرا که عرض شعبده با اهل راز کرد
 فردا که پیشگاه حقیقت شود بدید / شرمنده هر روی که عمل بر مجاز کرد
 ای بک خوش خرام کجا میروی ایست / غره مشو که گره عابد نماز کرد
 و اکنون هم در اصفهان یک ادیب دانشمند آقای « مکر » حبیب
 آبادی بازبان مخصوص ادبی و سبک تازه که با گوش عوام آشنا و هم
 جالب نظر خواص است زبان تنقید و نکوهش بر شیادان گشوده در
 بیداری عوام از هیچ گونه فداکاری مضایقه نکرده است .
 ما این ادیب شجاع فداکار را تبریک و تهنیت گفته و همواره
 از وظیفه تشویق و ترغیب او کوتاهی نخواهیم کرد . و در نمرات
 آتیه از اشعار شیرین او برای قارئین و ادبای محترم ارمغان
 خواهیم فرستاد .

اخیراً شنیده‌ایم یک نفر آخوند که برادرزاده اش ردبر قرآن نوشته
 و پسر ارشدش با سز مایه رشوه و حکم فروشی همه شب را با لپهو و لعب
 و فاحشه بروز می‌رساند طرفیت با یک نفر ادیب وظیفه شناس را
 پیشه کرده و عوام بیچاره را بقتل او تشویق و ترغیب نموده است .
 ما بنام ادبیات و پاس احترام ادباء از پیشگاه حکومت جلیله و علمای
 اعلام اصفهان خواهش میکنیم که محض حفظ ناموس اسلام و وطن
 از این حرکات جلو گیری فرموده بدوره بزرستی و بت پرستی اصفهان
 خاتمه دهند و از تمام شعرا و ادبای مملکت خواهش میکنیم که با آقای
 مکر هم‌دردی و همراهی پیشه ساخته نگذارند لگد کوب پای
 اغراض گردد .

(وحید)